

"اقتصاد" یا "توسعه سیاسی"، کدام مال خر است!؟

منصور حکمت

دور اخیر مرافعه جناح راست و دوم خردادی ها بر سر "اقتصاد" یا "توسعه سیاسی" بینهایت فکاهی و بچه گانه و عاریه است. راست ها ساعت یازدهم درست قبل از بسته شدن کرکره مجلس اسلامی پنجم دوان دوان لایحه ای گذراندند که روزنامه های "خودی" های "نفوذی" دوم خردادی را بنام قانون ببندند و تاسیس روزنامه های بعدی را دشوار کنند. از پیش روشن بود که متقابلاً اولین اقدام دوم خردادی ها پس از شروع مجلس اسلامی ششم این خواهد بود که چیزی تصویب کنند تا بتوانند آدمهایشان را از حبس بیرون بیاورند و روزنامه هایشان را دایر کنند. در مقابل، جناح راست با حماقت کم نظیری پشت "اقتصاد" سنگر گرفته است. میگوید چرا دوم خردادی ها در مجلس جناحی عمل میکنند و سیاست بازی میکنند و به اولویتهای مبرم اقتصادی نمیپردازند. بیست سال قبل "به گفته خمینی" اقتصاد "زیربنای الاغ" بود. خواستههای رفاهی و اقتصادی مردم انقلاب کرده را با این نوع اراجیف کوبیدند. فقری بیسابقه و غیر قابل توصیف به دهها میلیون انسان تحمیل کردند. حقوق کارگر را ماهها نمیپردازند و آنجا هم که میپردازند قدرت خرید قوت لایموت برای یک خانواده سه نفره را ندارد. تورم و گرانی بیداد میکند. بالاکشیدن حق مردم و رشوه خواری و فساد و اختلاس بنیاد سیستم اداری اینهاست. بیکاری و اعتیاد جامعه را در خود غرق کرده است. و حال این ابله ها فکر میکنند با برگ انجیر "اقتصاد" میتوانند در انظار مردم ستر عورت کنند.

اما دومی هم دست کمی از اولی ندارد. میگوید بله، اما "توسعه سیاسی" شرط توسعه اقتصادی است. چه عالی، و این توسعه سیاسی نجات بخش چیست: احیای ائتلاف ملی- اسلامی قبل از غلبه راست "انحصار طلب" در دوران رفسنجانی. سهم دادن مجدد به مجاهدین انقلاب اسلامی و خط امامی ها در قدرت، فحاشی کمتر به نهضت آزادی در بیرون قدرت، استخوانی جلوی اکثریت و حزب توده و طیف محافل اپوزیسیون مفلوک طرفدار رژیم پرت کردن و وفاداری بیدریغشان را خریدن، و همچنان کارگر و کمونیسم و زن و رادیکالیسم و حقوق مدنی مردم را کوبیدن، و به این اعتبار بهبود مناسبات مالی و تجاری با غرب. و گویا قرار است مردم برای این "جامعه مدنی" رهایی بخش سر و دست بشکنند.

مباحثه جاری جناح ها ابداً حدت اوضاع سیاسی و رابطه واقعی میان دوجناح و موقعیت کل حکومت در قبال مردم را منعکس نمیکند. این مرافعه اخیر بر سر اقتصاد یا سیاست برای کسانی که شبها طرح ترور یکدیگر را میریزند و هنوز گلوله های دیگری را در گردن و دست پای خود دارند، برای کسانی که نفرت مردم را میبینند و میشناسند، برای کسانی که علاج ناپذیری موقعیت اقتصادی و سستی بنیاد حاکمیت خود پی برده اند بیش از حد لوکس و ترفنی و کودکانه است. این فاز بسرعت سپری میشود. با این کلمات و عبارات نمیتوان زیاد راجع به مرگ و زندگی اسلام سیاسی و حکومت اسلامی در ایران حرف زد. همه بزودی وارد اصل مطلب خواهند شد.